فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه‌وچهارم، تابستان ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی، صفحات ۵۵-۷۶

نقش امیرنظام گروسی در اندیشه ترقی و حکومت قانون دوره ناصرالدین شاه

شهرام غلامی[۱]
سجاد جلیلیان[۲]

چکیده

در نیمه دوم حکومت ناصرالدین شاه به‌ویژه در دوره وزارت حسین‌خان سپهسالار اقدامات چشمگیری برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور صورت گرفت. برخی از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران آن را عصر ترقی و قانون‌خواهی معرفی کرده‌اند. هدف از این مقاله بررسی نقش و جایگاه یکی از مهمترین کارگزاران سیاسی این دوره یعنی حسنعلی خان امیرنظام گروسی در پیشبرد قانون‌گذاری و تجدد است. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از مکتوبات خود امیرنظام و منابع تاریخی کوشش شده تا نقش او در برنامه‌های اصلاحی و اقدامات صورت گرفته این دوره برای ترقی و بهبود وضعیت سیاسی- اقتصادی ایران مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امیرنظام گروسی جزو معدود کارگزاران عملگرا و موفق دوره قاجار بود که با درک بسیط و عام از تجددخواهی، تا حد زیادی زمینه رشد تفکر ترقی‌خواهانه را فراهم آورد و فرصت کار و اندیشه‌ورزی برای برخی از شخصیت‌های نظریه‌پرداز و منتقد حکومتی مانند یوسف‌خان مستشارالدوله و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله ایجاد کرد. او ضمن حفظ موازین سنتی و پاسداشت فرهنگ ایرانی به ستایش از دست‌آوردهای نوین تمدنی غرب پرداخت و در این راستا اقدامات مهمی در نوشتن قانون‌نامه حکومتی، راه‌اندازی مؤسسات تمدنی نوین مانند تلگراف، راه آهن و ضرابخانه انجام داد. از این لحاظ می‌توان وی را با کارگزاران اصلاح‌طلب آن دوره مانند میرزا علی‌خان امین‌الدوله و میرزاحسین‌خان سپهسالار ارزیابی و مقایسه کرد.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات اقتصادی، امیرنظام گروسی، اندیشه ترقی، تجدد گرایی، ناصرالدین شاه قاجار.

---

۱. استادیار گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران. ایران (نویسنده مسئول).
Shahramgholami@cfu.ac.ir
Orcid: 0009-0003-8662-3136
۲. دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران. ایران. Sajjad14jalilian@gmail.com
Orcid: 0000-0002-2108-2581

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۸/۲۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

The Role of Amir Nezam Garrusi in the Thought of Progress and the Rule of Law during the Reign of Naser al-Din Shah

Shahram Gholami[1]
Sajjad Jalilian[2]

Abstract

During the second half of Naser al-Din Shah's reign—particularly under the premiership of Hossein Khan Sepahsalar—remarkable efforts were made to reform Iran's political and economic structures. Many scholars of Contemporary Iranian history have described this era as a period of progress and constitutionalism. The present study examines the role and position of one of the most influential political figures of that time, Hassan Ali Khan Amir Nezam Garrusi, in advancing legislation and modernization. Using a descriptive–analytical approach and relying on Amir Nezam's own writings alongside historical sources, this paper explores his contributions to reform programs and initiatives aimed at improving Iran's political and economic conditions. The findings reveal that Amir Nezam Garrusi was among the few pragmatic and successful Qajar officials who, through a broad understanding of modernization, helped cultivate progressive thought and provided opportunities for reform-minded thinkers such as Yousef Khan Mostashar al-Dowleh and Mirza Malkom Khan Nazem al-Dowleh. While maintaining traditional and Iranian cultural values, Amir Nezam expressed admiration for Western civilizational achievements and took significant steps in drafting governmental legal codes and establishing modern institutions such as the telegraph, railway, and mint. In this regard, he can be compared with other reformist statesmen of the period, including Mirza Ali Khan Amin al-Dowleh and Mirza Hossein Khan Sepahsalar.

Keywords: Amir Nezam Garrusi, Progressive Thought, Economic Reforms, Modernization, Naser al-Din Shah Qajar.

1. Assistant Professor, Department of History, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Shahramgholami@cfu.ac.ir
2. Ph.D. in Political Studies of the Islamic Revolution, Shahed University, Tehran, Iran. Sajjad14jalilian@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

درآمد

در دوره قاجار، شکست ایران از روس زمینه‌ای برای اندیشیدن درباره شناخت علل عقب‌ماندگی ایران و در نتیجه تلاش برای نوسازی سازمان ارتش شد. چند نفر از دانشجویان برای یادگیری علوم و فنون نوین به اروپا فرستاده شدند. با این حال، اقدام مؤثر چشمگیری در نوسازی ساختار اداری ومؤسسات تمدنی نوین صورت نگرفت. تلاش برای نوسازی و اصلاح امور کشور در دوه ناصرالدین شاه با ایجاد مدرسه دارالفنون و پس از آن فرستادن دانشجویان ایرانی تحت سرپرستی امیرنظام گروسی به فرانسه در سال ۱۲۷٦ به‌طور جدی‌تری پیگری شد. حتی در دوره دوم حکومت ناصرالدین افرادی چون امیرنظام گروسی وحسین‌خان سپهسالار که تجربه زندگی در اروپا داشته و با تحولات اقتصادی و تمدنی کشورهای اروپایی آشنا بودند، برای شتاب بخشیدن به برنامه اصلاحات و اخذ تمدن نوین، ناصرالدین شاه را به مسافرت به اروپا تشویق کردند. نظر به تغییرات نسبتاً مهمی که در آن زمان در ساختار سیاسی اقتصادی صورت گرفت، برخی از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران مانند فریدون آدمیت این برهه از تاریخ ایران را که همزمان با وزارت سپهسالار است، عصر اندیشه ترقی و نوسازی نام داده‌اند. درباره برخی از شخصیت‌های دوره اصلاحات مانند حسین‌خان سپهسالار، علی‌خان امین‌الدوله و ملکم‌خان ناظم‌الدوله به واسطه پژوهش‌های متعدد، شناخت بیشتری وجود دارد. اما افراد تأثیرگذاری مانند حسنعلی‌خان امیرنظام، آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته‌اند. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بازخوانی اسناد تاریخی و مکتوبات خود امیرنظام، نقش و جایگاه او در برنامه نوسازی و اصلاح امور این دوره را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی از شخصیت‌های مهم ایران دوره قاجار بود که حدود شصت و چهار سال به‌طور پیوسته و مستقیم در مشاغل مهم سیاسی، نظامی و دیپلماسی فعالیت داشت و در تمام دوره حکومت ناصرالدین شاه – که به‌نام دوره اصلاحات معروف شده– از چهره‌های کلیدی کشور بود. در مورد زندگی‌نامه و آثار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

امیرنظام گروسی چند کتاب و پایان نامه نوشته شده‌است. از جمله پایان‌نامه‌ای با عنوان «زندگی و آثار حسنعلی خان امیرنظام گروسی» نوشته غلامی (۱۳۸۰ش) در دانشگاه شهید بهشتی است که کوشیده تا بر اساس اسناد و مکاتبات امیرنظام روایت جامعی از اقدامات او ارائه دهد. مریوانی (۱٤۰۳ش) عیناً چهارچوب و محتوای این پایان نامه را گرفته و کتابی با عنوان *حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی* را به‌نام خود چاپ کرده است. منتها برای پرهیز از ارجاع مکرر به نام غلامی، در بیشتر قسمت‌ها به اسناد و منابع پایان‌نامه مذکور، ارجاع داده است. کوشا (۱۳۸٤ش) نیز در کتاب *سه دانشور نامور بیجار گروس* دیدگاه معاصران امیرنظام و سایر پژوهشگران تاریخ ایران را درباره وی گردآوری کرده و مکتوبات و اسناد سیاسی او را مورد کاوش قرار نداده است. نویسنده در مقاله حاضر می‌کوشد تا روایت متفاوتی از نقش امیرنظام گروسی در پیشبرد اصلاحات و نوسازی ایران دوره ناصری ارائه دهد. فرض این جستار آن است که نخبگان سیاسی دوره قاجار به‌ویژه دیپلمات‌هایی که از نزدیک با فرهنگ و تمدن نوین اروپایی آشنایی داشتند، به شیوه‌های مختلف راه را برای نوسازی و ایجاد زمینه برای انجام اصلاحات ساختاری دوره بعد فراهم کردند. بنابراین در این پژوهش بیشتر با تکیه‌بر مکاتبات خود امیرنظام با روش توصیفی- تحلیلی فعالیت سیاسی و دیپلماسی و اقدامات او در راستای برنامه‌های نوسازی این دوره مورد بررسی قرار گرفته است و از ذکر جزئیات شرح زندگی‌نامه وی خودداری شده‌است.

اصلاحگری و ترقی‌خواهی از رهگذر آشنایی با تمدن غربی

امیرنظام گروسی در سال ۱۲۷٦ به‌عنوان نخستین وزیر مختار دائمی ایران در اروپا منصوب شد و تا سال ۱۲۸۳ در این سمت باقی ماند. حوزه فعالیت دیپلماسی او تمام کشورهای اروپایی بود اما محل اصلی سفارت ایران در پاریس فرانسه قرار داشت. علاوه‌بر این، او سرپرستی ٤۲ نفر از دانشجویان ایرانی را برعهده داشت. اقامت نسبتاً طولانی او در فرانسه همراه با رفت وآمد دیپلماتیک به بیشتر کشورهای بزرگ اروپایی و دیدن مظاهر تمدنی آنجا، در زمینه‌های گوناگون تأثیر بسیاری بر روی اندیشه و عمل

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

اصلاحگرانه او گذاشت. برای نمونه گزارش امیرنظام از نمایشگاه کالای پاریس در ذی‌الحجه سال ۱۲۸۳ نشان می‌دهد که چگونه او با دیدن شکاف گسترده میان دستاوردهای تمدنی غرب نسبت به جامعه عقب‌مانده ایران در اندیشه نوسازی فرو رفته بود. امیرنظام که هر دو روز یک‌بار به نمایشگاه می‌رفت، در نامه‌ای خصوصی به مصطفی‌قلی‌خان اعتمادالسلطنه با کمال حیرت و حسرت می‌نویسد که اروپائیان مراتب علوم و صنایع را به درجه کمال رسانده‌اند در حالی‌که مردم ایران هنوز اندر خم یک کوچه‌اند. در ادامه او از اینکه درِ علم بر روی ایرانیان بسته و آمد و شد بر اروپائیان دشوار گشته و مردم ایران از تحصیل منافع وکسب فواید و اطلاع از ترقی ملل خارجه محروم مانده‌اند، شدیداً ابراز تأسف می‌کند (گروسی، بی‌تا ج، ص. ۱۷۹). در جای دیگر او در نامه‌ای به یکی از دوستانش در روستای شیدای (از توابع خسروآباد بیجار) از او می‌خواهد تا شخصاً به آنجا بیاید و آثار پیشرفت تمدن غربی را ببیند. او از اینکه تعصب مذهبی مانع اخذ علم و تمدن جدید اروپایی شده‌است، تأسف می‌خورد و می‌نویسد: «افسوس که این مملکت را بلاد کفر می‌گویند و حال آنکه معنی و حقیقت شعار اسلام در اینجا ساری و جاری است و خدا شاهد است که رجحان مذهب و امتیاز شریعت مطهر را در اینجا ثابت می‌توان کرد» به این ترتیب امیرنظام از او می‌خواهد تا «از لباس عادت عاری گشته، خود را به این صفحات بکشید تا آثار قدرت الهی را در خلقت بشر مشاهده کند» (گروسی، بی‌تا هـ ص. ۲۹).

تأثیر پیشرفت علمی و تمدنی اروپا بر روی امیرنظام به اندازه‌ای بود که حتی وی در نامه به سفیر ایران در پطروگراد در هنگام ترک فرانسه، آن را همچون وداع با کعبه آمال معرفی می‌نماید[1] (گروسی، بی‌تا ب، ص. ۸۶). به هر حال، تأثیر پیشرفت‌های اروپا در زمینه صنعت و علوم گوناگون باعث شد تا امیرنظام به هر طریق ممکن زمینه‌های تغییر برای گرفتن الگوی تمدنی جدید در ایران فراهم کند. از این‌رو به همراه حسین‌خان

۱. نوشته امیر نظام با این شعر شروع می‌شود: الوداع ای کعبه اینک وقت هجران آمده/ دل تنوری گشته و از دیده طوفان آمده.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

سپهسالار کوشید تا با بردن ناصرالدین شاه به اروپا، پیشرفت‌های تمدنی آنجا را بـه وی بشناساند تا اینکه او اقدامات جدی‌تری را برای اصلاح امور در ایران فراهم کند. با ایـن حال سفرهای پی‌در پی ناصرالدین شاه نه‌تنها دسـتاورد جـدی نداشـت بلکـه سـرانجام باعث سرخوردگی او نیز شد.

عضویت در گروه روشنفکری ترقی‌خواه و فعالیت‌های ماسونی

بخش دیگری از فعالیت‌های امیرنظام را کـه گویـای بیـنش تجددگرایانـه اوسـت، از روی همکاری با روشنفکران اصلاح‌طلب و حمایت از برنامه‌های مترقیانه این دوره بهتر می‌توان درک کرد. طبق برخی گزارش‌ها امیرنظـام هنگـام سـفارت در اسـتانبول در ۲۸ فوریه ۱۸٦۰ به همراه ٤ تن از دیپلمات‌هـای ایرانـی آشـکارا بـه عضـویت لـژ ماسـونی سنسیر آمیته[1] درآمـد. ایـن عـده عبـارت بودنـد از: ۱- حسـنعلی‌خان سـفیر، ۲- میـرزا محسن‌خان مشاور سفیر، ۳- میرزا صادق‌خان منشی، ٤- نظر آقا آشوری مترجم سفارت (رائـین، ۱۳۵۷، ج۱، ص. ٤۲-٤٤۱، ٤۸٤). به‌گفتـه الگـار (۱۳۸۵، ص. ۱۱) در مـدت ۲ سال اقامت او در استانبول اثری از ارتباط او بـا دیگـر فراماسـون‌هـای ایـن شـهر دیـده نمی‌شود. احتمالاً همانگونه که الگار نیـز تأکیـد کـرده اسـت، دیپلمـات‌هـای ایرانـی در استانبول با توجه به فضای عصر تنظیمات و عضویت برخی از شاهزادگان عثمانی مانند مراد پنجم در این لژها، آن را وسیله‌ای برای پیشـبرد اهـداف سیاسـی خـود مـی‌دیدنـد. گذشته از این شعار اصلی لژهای ماسونی ترقی، انسان دوسـتی و روشـنگری بـود. ایـن اصول در کلیت خود در نگاه افرد آن زمان هیچ مخالفت ظاهری با اسلام‌گرایی و منـافع ملی ایران نداشت. چنان‌که برخی از افراد مذهبی مانند سیدجمال الدین افغـانی و شـیخ الرئیس قاجار که آشکارا اندیشه اتحاد اسلام و بازگشت به اسـلام داشـتند و افـرادی بـا گرایش‌های صـوفیانه نعمـت‌الهـی ماننـد حـاجی میـرزا صـفا سـوادکوهی و افـرادی از فرقه‌های بکتاشی و نقشبندی عضو لژهای ماسونی بودند (همان، ص. ۹-۸، ۱۹).

اگر امیرنظام در لژ ماسونی هم عضویت نداشته باشد، با چهره‌های برجسـته فراماسـونی

1. Sincere Amitie.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

و اعضای مجمع آدمیت در ایران، از جمله میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، میرزا جعفر حکیم‌الهی و یوسف‌خان مستشارالدوله همکاری، هم‌فکری و دوستی نزدیک داشت. در نهایت این نوع همکاری‌ها منجر به تشکیل اتحادیه‌های ترقی‌خواهانه غیررسمی و دوستانه شد. آنها در سال ۱۲۸۱ در تفلیس با یوسف‌خان مستشارالدوله، ژنرال کنسول ایران و محمدخان مجدالملک، پیمان بستند تا در کارهای ترقی‌خواهانه با همدیگر یکدل و متحد باشند. ده سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۱ با پیوستن میرزا محمدخان مجدالملک و پسرش علی‌خان امین‌الملک، آن پیمان به صورت اتحادیه پنجگانه درآمد. فریدون آدمیت معتقد است که این نوع اتحادیه‌ها «شاید اثری از فعالیت مجمع فراموش‌خانه باشد که به ظاهر به هم خورده است» (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۵۰-۲٤۹).

امیرنظام به دلیل هم‌فکری با یوسف‌خان مستشارالدوله و هم‌اندیشی با او در گرایش‌های ترقی‌خواهانه، هنگامی‌که از سفارت پاریس استعفا داد، تلاش کرد تا مستشارالدوله را در پاریس جایگزین خود کند (ممتحن‌الدوله، ۱۳٥٤، ص. ۱۰۹) و از اندیشه‌های ترقی‌خواهانه او حمایت کند. امیر نظام مدتی بعد در سال ۱۳۰٦ مکتوبی را که حاوی اندیشه ترقی‌خواهی او بود برای ولیعهد فرستاد (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، ص. ۱۸٦).

از جمله افراد دیگر حلقه روشنفکری و فراماسونری که با امیرنظام گروسی ارتباط نزدیک و صمیمانه داشته، ملکم‌خان ناظم‌الدوله بود. ملکم‌خان در چند جا در روزنامه قانون به ستایش از کاردانی و لیاقت امیرنظام پرداخته است. در اسناد ملکم‌خان نامه‌های زیادی از امیرنظام وجود دارد که به ملکم‌خان نگاشته و عمیقاً به وی اظهار علاقه و محبت کرده است. وی «بنابر کثرت میلی که به معاشرت و بحث» با ملکم داشت، از هر راه و به هر وسیله می‌کوشید تا «اسباب سفر خارجه و داخله فراهم آورده، و فیض خدمت او را دریافت کند» (ملکم‌خان، بی‌تا، ش۲۳۲٦/۲، ۲۹٦۳/٥).

امیرنظام از طرفداران پر و پا قرص روزنامه قانون بود و ملکم‌خان روزنامه مزبور را از لندن به‌صورت قاچاقی برای او و مستشارالدوله به تبریز می‌فرستاد. امیرنظام نیز دریافت روزنامه «قانون» و نوشته‌های ملکم را خوش‌ترین ایام زندگی خود توصیف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

می‌کند و آن را «حیات‌دهنده ملت ایران» و شخص ملکم را «ولتر مملکت ایران» می‌نامد، و از اینکه عمرش به آخر رسیده و عمری برایش «باقی‌نمانده که مقوی و مؤید خیالات» ملکم‌خان باشد، عمیقاً ابراز تأسف می‌کند (همان، ش۲۳۲۶/۲). به‌سبب هم‌فکری امیرنظام با ملکم‌خان و اینکه او را برای اصلاح ادارات حکومتی بسیار توانمند می‌دانست، در اوایل پادشاهی مظفرالدین‌شاه، طی‌نامه‌ای از شاه خواست تا ملکم‌خان را مشمول عفو قرار داده و به ایران بازگرداند، تا در اصلاح امور حکومت و تنظیم دوایر دولتی کمک کند. جالب اینکه مظفرالدین شاه با خط خودش با نامه امیرنظام موافقت کرده و در نتیجه ملکم‌خان ظاهراً به ایران برگشته بود (همان، ش۲۹۶۳/۵).

از دیگر اعضای مجمع آدمیت که امیرنظام با او ارتباط داشته، میرزا جعفر حکیم الهی است. امیرنظام چنان تحت تأثیر او بود که در بیشتر نامه‌هایش جملاتی از او، چاشنی کلام خود می‌سازد و او را با صفات بزرگی چون «فیلسوف شرق» و «جوهره آدمیت و خلاصه انسانیت»، یاد می‌کند (گروسی، بی‌تا ب، ص. ۷).

تشویق شاه به انجام اصلاحات و تدوین کتابچه قانون

امیر نظام در بیشتر نامه‌های سیاسی خود که در فرانسه نوشته است بر قانونمدی کشور و لزوم انتظام امور کشور بر اساس قانون تأکید می‌کند و در این مورد می‌نویسد: «باید وکلای دولت دقیقه‌ای از انتظامات داخله مملکت بر طبق قانون محکم غفلت نکنند» (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ۱۷). او داشتن یک قانون اساسی و شیوه حکومت فرانسه در زمان ناپلئون سوم را از هر جهت برای ایران مناسب می‌دانست. ظاهراً در اثر همین دیدگاه بود که در سال ۱۲۸۱ بنا به دعوت ناصرالدین شاه از فرانسه به تهران آمد تا در تدوین دستورالعمل کتابچه اصلاحات از روی نمونه قوانین فرانسه اقدام کند. بنابراین مدتی در تهران ماند و جزوه‌ها وکتابچه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای تجدید سازمان اداری ایران نوشت و در اختیار محمدخان سپهسالار و ناصرالدین شاه گذاشت (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ۱۷؛ همو، ۱۳۶۶، مقدمه).

اطلاعی از این قانون‌نامه و جزئیات آن در دست نیست. آن‌گونه که از نامه‌های

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

امیرنظام برمی‌آید، این قانون‌نامه به صورت جدول‌بندی تنظیم شده و شامل یک مقدمه، ۱۵ باب و بیش از ۳۰۰ فصل و یک خاتمه بود. حتی به نوشته خود امیرنظام، ناصرالدین شاه پس از خواندن این قانون‌نامه، نه از روی رضای خاطر مجلس بلکه از روی اعتقاد در ستایش آن مبالغه بسیار کرد. اینکه تا چه اندازه از اصول این قانون در دستگاه‌های دولتی اجرایی شد به درستی معلوم نیست اما آن‌گونه که از مفاد نامه امیرنظام پیداست پیش از آن نیز کتابچه‌هایی نوشته شده بود که به حاشیه انداخته شده و به قول وی «کاغذ و سوزن و رخنه روزن» شده بودند و او امیدوار بود که این قانون‌نامه به چنین سرنوشتی دچار نشود (گروسی، بی‌تا ب، ص. ۱۲۰).

امیر نظام ظاهراً به درخواست ناپلئون سوم و احتمالاً برای تشویق غیرمستقیم ناصرالدین شاه به انجام اصلاحات، شرحی درباره اقدامات اصلاحگرانه او نوشت و این نوشته که به زبان فارسی و فرانسه تنظیم شده بود، در روزنامه‌های رسمی آن زمان فرانسه منتشر شد (گروسی بی‌تا و، ش۲۹۵/۷۳۱۵). او اگرچه در پاره‌ای موارد دستاوردهای حکومت ناصرالدین‌شاه در زمینه ایجاد صنایع و کارخانه‌ها را مفید و قابل تقدیر می‌دانست (همو، بی‌تا ب، ص. ۱۸)؛ اما به‌طور کلی این اقدامات را برای پیشرفت ایران ناکافی دانسته، تعلل در راه‌اندازی تلگراف و راه آهن را جایز نمی‌دانست. او تقویت جایگاه سیاسی ایران را منوط بر پیشرفت مادی می‌دانست و باور داشت که کشورهای اروپایی تنها زمانی به تقویت ایران خواهد پرداخت که ترقی محسوس و پیشرفت بزرگی در آن مشاهده نمایند. معتقد بود با توجه به مقتضیات زمان که «ممالک فرنگ در هر دقیقه هزار فرسنگ پیش می‌روند»؛ بایستی تعجیل بیشتری کرد و گام‌های بلندتری برداشت و به کارهای بزرگتر همت گماشت (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ٦٩). بنابراین، او در بیشتر نامه‌های خود به وزارت خارجه و مقامات حکومتی بارها تأکید می‌کند که چون امورات اروپا به دقیقه و ثانیه می‌گذرد، آنها نباید یک لحظه در تصمیم انجام کارها درنگ کنند (همان، ص. ١٠٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

کمک به راه اندازی مؤسسات تمدنی نوین در ایران

حسنعلی‌خان امیرنظام به جای بحث و نظریه‌پردازی در مبانی ترقی غرب، عملاً اقدامات مهمی در معرفی و انتقال برخی از مؤسسات تمدنی جدید به ایران انجام داد. او هنگامی‌که در پاریس بود بیشتر اوقات خود را صرف بازدید از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی و نظامی فرانسه می‌کرد و هرچند گاهی یک‌بار برای انجام مذاکرات سیاسی و بازدید از مراکز صنعتی دیگر کشورهای اروپایی سفر می‌کرد. امیرنظام در بازدید از این کارخانه‌ها، خیلی از وسایل صنعتی، نظامی و ارتباطی و مخابراتی از کشورهای انگلستان، فرانسه و پروس خریداری کرده و به‌طور منظم به ایران ارسال داشت (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ١٤٦؛ اعتمادالسلطنه، ١٣٦٧، ج. ٣، ص. ١٤٤٥، ١٤٤٢).

امیرنظام گروسی به انگیزه چاپ و نشر کتاب و رشد دانش در زادگاه خود یعنی گروس، هنگامی‌که وزیرمختار ایران در پاریس بود، چاپخانه‌ای خریداری و به این ولایت فرستاد و دستور داد تا کتاب‌های *تاریخ جهانگشای* جوینی، *تاریخ* ابن خلکان، *تاریخ* بیهقی و *کلیله و دمنه* بهرامشاهی را با آن چاپ و منتشر کنند. ظاهراً این وسایل به اشتباه به تهران فرستاده شد و از سرنوشت چاپخانه در گروس اطلاعی در دست نیست (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ۹۲-۹۳). علاوه‌بر این هنگامی‌که در تبریز پیشکار بود، دفتر چاپخانه مجهزی با حروف سربی لاتین و فارسی در آن شهر دایر کرد و کتاب‌های معتبری در آنجا به چاپ رساند (یغمایی، ١٣٤٧، ص. ٦١٩).

در خصوص مدرن‌سازی صنعت پول امیر نظام در سال ۱۸٦٧/١٢٨٢ دستگاه جدید ضرب سکه خریداری و به ایران فرستاد. اما این دستگاه پس از ورود به انزلی سه سال در آنجا باقی ماند؛ چون وسیله‌ای برای حمل آن به تهران نبود. گویا مخالف دوستعلی‌خان معیر الممالک رئیس ضرابخانه که منافع او در ضرب سکه‌های کم ارزش بود، در این کوتاهی بی‌تأثیر نبود (مته، فلور و کلاوسون، ١٣٩٦، ص. ٢٦٩).

در خصوص نوسازی ارتش نیز او بیش از ده هزار قبضه تفنگ شش خال از فرانسه خریداری و به ایران فرستاد (اعتماد السلطنه، ١٣٦٧، ج. ٣، ص. ١٤٢٣؛ گروسی، ١٣٥٧، ص. ١٠٤). همچنین مذاکراتی برای خرید کشتی‌های جنگی از فرانسه و بلژیک و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

انگلستان انجام داد. او هرچند کشتی‌های جنگی انگلیسی را از هر جهت بهتر و مفیدتر می‌دانست، ولی چون اطمینانی به سیاست انگلیسی‌ها در خلیج‌فارس نداشت، سعی کرد تا تکنسین‌ها و افسران امریکایی و هلندی را برای خدمت در نیروی دریایی ایران استخدام کند (بیانی، ۱۳٤٥، ج. ۲، ص. ۸۵-٦٥؛ آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۳٤۰-۳۳۸؛ گروسی، ۱۳۵۷، ص. ۵۷-٦۳).

به هر حال امیرنظام در آن دوره علاقه وافری به برقراری ارتباط در زمینه‌های مختلف تجاری-فرهنگی و علمی با دول پیشرفته اروپایی از خود نشان می‌داد و تلاش زیادی برای جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران از قبیل ایجاد راه آهن، تأسیس تلگراف، ایجاد کارخانه و استخراج معادن به عمل آورد. او با برشمردن اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی، به دلایلی چند، منفعت آن را بیش از فرستادن دانشجو به کشورهای خارجی می‌دانست. به باور او چون دولت ایران امکانات و سرمایه کافی برای راه‌اندازی صنایع نداشت، بهتر بود «که از برای ترقی صنایع و تربیت ملت از این قبیل اشخاص هرقدر میسر شود به ایران آمده با مال خود تکلیف ضروری به دولت، مشغول کار شوند» زیرا علاوه‌بر ایجاد صنعت «هرسال مبالغی از بابت عمله و قیمت مصالح به اهالی مملکت منفعت می‌رسد» و گذشته از آن «در اندک مدتی اشخاص متعدد در انواع صنایع صاحب علم و سرشته می‌شوند و راه سهولت کارها را به رأی‌العین می‌بینند. بنابراین کارآموزی عملی هنرجویان ایران در این مؤسسات بهتر از آن بود که «این قبیل اشخاص را برای تعلیم صنایع به پاریس بفرستند». زیرا دانشجویانی که برای تحصیل در صنایع به اروپا فرستاده می‌شدند حتی در صورتی که پس از سه چهار سال در صنعت خود به کمال می‌رسیدند، در وقت مراجعه تحصیل بیکار می‌شدند و نتیجه‌ای از این کار حاصل نمی‌شد. بنابراین، از نظر او فرستادن دانشجو به اروپا تنها زمانی سودمند بود که بلافاصله پس از تحصیل در ایران مشغول کار شوند. بنابراین چون احداث کارخانه توسط دانش‌آموخته‌ها و حتی دولت امکانپذیر نبود، همه هزینه‌ها و اهداف مأموریت آنها به هدر می‌رفت. در نتیجه او به دولت توصیه کرد تا به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه دهد تا «بی‌تکلیف ضروری اولیای دولت، احداث کارخانه کرده و اقسام صنایع را منتشر نمایند تا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

فواید و منافع آن از برای اهالی مملکت عمومیت یابد و بعد از آنکه منافع و فواید آن را به رأی‌العین دیدند، خود مردم ایران از برای تحصیل منفعت با شوق کامل به تعلیم صنایع و احداث کارخانجات می‌پردازند...» (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۳۳۸-۳۳۹). بنابراین، با این دیدگاه امیرنظام برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی مذاکرات مفصلی انجام داد. از جمله او در دیدار با کاپیتان لنچ مأمور خارجه انگلیس در فرانسه، از او تقاضا کرد تا تبعه آن کشور و آشنایان خود را به هروسیله ممکن جهت سرمایه‌گذاری در ایران تشویق کند (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ۵).

علاوه‌بر این هنگامی‌که وزیرمختار ایران در استانبول بود، برای تأسیس بانک در ایران مذاکرات مفصلی با یک تبعه فرانسوی به‌نام مسیومرتون انجام داد و وی را به ادامه سرمایه‌گذاری در ایران امیدوار و قوی‌دل کرد. او که تأسیس بانک را از عوامل «رفع پریشانی و اصلاح حال ملت» می‌دانست، تلاش‌های زیادی برای راضی کردن او انجام داد. در مقابل افرادی چون کنسول انگلیس در تبریز که مخالف سرمایه‌گذاری فرانسوها بود «در داخل و خارج به وسایل مختلفه او را از اقدام به این کار منع می‌کرد و... شرح مفصلی از بی‌نظمی و عدم امنیت ایران به او نوشته بود». با این حال، امیرنظام با دادن اطمینان خاطر او را به انجام سرمایه‌گذاری راضی کرد و از صدراعظم ایران خواست تا این قرارنامه را «که متضمن فواید عظیم است» هرچه سریعتر به امضا برساند (ملکم‌خان، بی‌تا، ش۲۳۲۶/۲).

مسئله‌ای که بیش از هرچیز مورد علاقه امیرنظام بود، ایجاد شبکه راه آهن بود. بنابراین وی مذاکرات مفصلی برای جلب حمایت کمپانی‌های اروپایی انجام داد و کتابچه‌هایی مبنی‌بر فواید راه آهن نوشت و به ایران فرستاد (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ۸٤-۷۹). او معتقد بود با درج آگهی مناقصه و یا به هرشکلی دیگر باید کمپانی‌های خارجی را تشویق به ایجاد سرمایه‌گذاری در ایجاد شبکه راه آهن ایران کرد (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ۸٤-۷۹). با این دیدگاه، به‌رغم مخالف‌های داخلی و خارجی، از امتیاز رویتر برای سرمایه‌گذاری در راه‌سازی ایران به‌طور جدی پشتیبانی کرد. همچنین امیرنظام به ناصرالدین شاه توصیه کرد تا از انتقال شبکه تلگراف انگلیسی‌ها از طریق خاک ایران به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

هندوستان، ممانعت به عمل نیاورد. زیرا به نظر او گسترش شبکه تلگراف در ایران و ارتباط آن با کشورهای هند و عثمانی نه‌تنها مفسده‌ای نداشت بلکه از جهات عدیده به نفع دولت ایران بود. وی بر این باور بود که اگر ایران به انگلیسی‌ها اجازه اتصال شبکه تلگراف از تهران به بندرعباس و از آنجا به هندوستان ندهد، انگلیسی‌ها مسیر تلگراف را از طریق بصره و خلیج‌فارس انجام خواهند داد و این امر به زیان دولت ایران خواهد بود. امیرنظام در مقابل تردید دولت که گسترش مراوده با انگلیس از طریق راه آهن و تلگراف را باعث به خطر افتادن استقلال دولت می‌دانست، چنین استدلال می‌کرد که: «ابداً نمی‌توان تصور کرد که دولت انگلیس و غیر آن به‌واسطه تلگراف یا راه آهن یا ازدیاد مراوده تبعه و امثال آن، خاک و ملت دولت دیگر را تصرف خواهند کرد یا اگر این چیزها نباشد، راه خیال و چشم‌داشت آنها مسدود خواهد شد» (گروسی، ۱۳۵۷، ص. ٦٩-٦٨).

به‌نظر امیرنظام عواملی که مانع از ترقی کشور و مانع از جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌شد؛ نبود آزادی، اذیت و آزار اتباع خارجی به بهانه‌های مذهبی و بی‌تدبیری رؤسای حکومتی ایران بود. بنابراین در واکنش به قتل اتباع خارجی که با انگیزه مذهبی در راه آهن شاه عبدالعظیم به سال ۱۳۰۸ صورت گرفت، اظهار داشت «مادام که حالت مردم و اهالی مملکت ما این است، متوقع نباید بود که بهبود و ترقی در کارها به هم رسد». بنابراین او نگران بود که با اوضاع پیش آمده دیگر کمپانی‌های خارجی جرأت نمی‌کنند در ساخت راه و سرمایه‌گذاری در ایران شرکت کنند (گروسی، بی‌تا الف، ص. ۱۱۳).

خدمت در وزارت فواید عامه و حمایت از طرح‌های راه‌سازی

یکی از برنامه‌های نوین ترقی‌خواهانه در دوره وزارت حسین‌خان سپهسالار، تشکیل وزارت فواید عامه بود. در سال ۱۲۸۹ که بنابر پیشنهاد حسین‌خان سپهسالار، وزارت‌خانه‌های جدیدی تأسیس شد، منصب «وزارت فواید عامه» به حسنعلی‌خان امیرنظام واگذار شد و او تا سال ۱۲۹۸ همچنان این سمت را برعهده داشت. از جمله وظایف این وزارت‌خانه، عبارت بودند از «کار فرمودن و راه‌انداختن معادن با لوازم و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

شرایط آن و ایجاد راه‌های آهنی و مواظبت در نظم آنها؛ بنا کردن جاده‌های عامه و شاهراه‌ها بین شهرها و ولایات؛ ساختن پل و سد بر روی رودخانه‌ها؛ حفر نهرهای تازه و پاک کردن نهرهای قدیم برای آبیاری کشتزارها؛ خشک کردن مرداب‌ها؛ درخت‌کاری کنار راه‌ها و ریگزارها تا هوا معتدل شود؛ ایجاد بنادر تجاری و اسکله؛ نصب نشانه‌های دریایی؛ راه‌انداختن چراغ گاز، ایجاد بناهای تازه و تعمیر بناهای قدیم که روبه ویرانی نهاده بود» (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۲۰۹).

حوزه فعالیت وزارت فواید خیلی گسترده بود و تمام فعالیت‌های عمرانی و زیر بنایی در اختیار آن وزارت‌خانه قرار داشت. در آن زمان که تب ایجاد راه آهن و امتیازات مربوط به آن در ایران بالا گرفته بود، ایجاد چنین وزارت‌خانه‌ای مهم به‌نظر می‌رسید و در واقع یکی از پایه‌های اساسی اندیشه ترقی‌خواهی این دوره را تشکیل می‌داد. با این حال، به دلیل مخالف و کارشکنی‌های داخلی و خارجی و همچنین ترس و تردید ناصرالدین شاه، تلاش‌های صورت گرفته برای انجام اصلاحات زیربنایی مانند راه آهن بی‌نتیجه ماند. به‌گونه‌ای که خود امیرنظام منصب وزارت فواید عامه را «اسمی بلا رسم و قالبی بدون روح» توصیف می‌کند (گروسی، بی‌تا الف، ص. ۲۳). به‌رغم تردیدهای نوسازی و کمبود بودجه، اقدامات نسبتاً مهمی توسط امیرنظام گروسی در زمینه راه‌سازی صورت گرفت. از جمله احداث جاده آمل به تهران در سال ۱۲۹۰ با نظارت او و البرت گاستیگرخان[1] مهندس اتریشی تکمیل و افتتاح شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳٦۳، ج. ۱، ص. ۱۰۸). جاده قم به تهران هم در این دوره تسطیح شد و برخی از تحصیل کرده‌های غرب مانند نظام‌الدین کاشانی که مدت‌ها بی‌کار بودند به این نوع فعالیت‌ها گماشته شدند (محبوبی اردکانی، ۱۳٤٥، ج. ۱، ص. ۳۲۵). اقدام مهم دیگر امیرنظام، احداث راه لاریجان به تهران بود. احداث این راه ابتدا در سال ۱۲۸۷ به عهده البرت گاستیگرخان اتریشی واگذار شده بود اما وی پس از سه سال با مخارج زیادی که از دولت گرفته بود، این کار را ناتمام رها کرد و اتمام آن برعهده امیرنظام گذاشته شد.

1. Alber Gasteiger.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

امیرنظام با استفاده از نیروهای نظامی، در سال ۱۲۹۲ این جاده را احداث کرد. در طـول ایـن راه کـه قریـب هفـده فرسـخ بـود چنـدین پـل و سـد معتبـر بسـته شـد (وقـایع نگارکردستانی، ١٣٦٤، ص. ۲۸۲–۲۸۱؛ اعتمادالسلطنه، ١٣٥٦، ص. ۵۲).

برای ساختن راه آواجق در سر حـد آذربایجـان‌غربی تـا قـزوین نیـز اقـدامات مهمـی صورت گرفت و به‌رغم تلاش‌های وسیعی که دولت روسیه برای بدست آوردن امتیاز این راه به عمل آورد، امیرنظام تمایل چندانی نشان نداد و بیشتر سعی کـرد تـا ایـن کـار را بـا استفاده از نیروهای متخصص فرانسوی به انجام رساند (گروسی، بی‌تا الف، ص. ۱۲۸).

هنگامی‌که امیرنظام منصب وزارت فواید برعهده داشت، طرح مطالعه راه‌های شوسـه و آهن توسط مهندسین خارجی انجام شد. از جمله «بارون دو تورمان» بلژیکی در سـال ۱۲۹۲ طرحی از اصلاح راه‌های ایران ارائه داد و همچنین سژزر[1] مهندس اتریشی نقشـه راه آهن مرکزی ایران را طرح کرد و آلئون[2] مهندس فرانسوی در سـال ۱۲۹۵ طـرح راه آهن رشت را به تهران ارائه داد (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۳۳–۳۳۲).

در راستای همین فعالیت‌های راه‌سازی عصر سپهسالار، امتیـاز بهره‌بـرداری معـادن و جنگل‌ها و تأسیس راه آهن شمال ایران به یک نفر انگلیسی به‌نـام بـارون جولیـوس دو رویتر داده شد و حسنعلی‌خان امیرنظام با سمت وزیر فواید، از جملـه امضـاءکنندگان و حامیان اصلی امتیاز رویتر بود. هنگامی‌که این امتیاز با اعتراض شدید روس‌ها و بعضـی رجال درباری مخالف سپهسالار مواجـه شـد، حسـنعلی‌خان گروسـی و میرزاعلی‌خـان امین‌الدوله وزیر رسائل، در مقابل معترضینی مانند میرزا سعیدخان وزیر خارجه قـرارداد که به روسیه گرایش داشت و به‌عنوان وکیل مدافع و حامی رویتر در مجلـس سـخنرانی کـرد (امین‌الدولـه، ۱۳۵۵، ص. ٤٦–٤٣؛ تیمـوری، ۱۳۳۲، ص. ۱۱۲؛ کـاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص. ۱۱۳–۱۰۷). هنگام بـالا گـرفتن اعتراضـات علیـه قـرارداد و برکنـاری حسـین‌خان سپهسالار، حسنعلی‌خان امیرنظام برای اثبات حمایت خود از قـرارداد رویتـر در نامـه‌ای

1. Scherzer.
2. Alleon.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

خطاب به هنری کولینز[1] نماینده رویتر در ایران، ضمن بی‌اساس خواندن عزل سپهسالار او را تشویق کرد تا برای خنثی کردن عمل مخالفان، هرچه سریعتر عمل تسطیح راه را انجام دهد (تیموری، ۱۳۳۲، ص. ۱۳۰؛ کاظم زاده، ۱۳۷۱، ص. ۱۷). بالاخره پس از مذاکرات طولانی که امتیاز رویتر لغو شد، بار دیگر وزیر فواید مأموریت یافت تا لغو رسمی این امتیاز را به هنری کولینز و وزرت خارجه انگلیس اعلام کند.

با فسخ قرارداد رویتر، یک نفر مهندس ارتش روسیه بنام ژنرال فالکن هاگن[2] تحت حمایت گورچاکف وزیر خارجه آن کشور به ایران آمد، تا قراردادی مشابه امتیاز رویتر با ایران منعقد کند. طبق فرمانی از ناصرالدین‌شاه به حسنعلی‌خان گروسی دستور داده شد تا با ژنرال فالکن هاگن در مورد شرایط قرارداد به مذاکره پرداخته و نتیجه را به اطلاع شاه برساند (آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۷۷-۳۷۶). پس از مذاکرات مفصل در نهایت قراردادی در ۲۹ فصل تنظیم و در ۱۲ ذی‌الحجه سال ۱۲۹۱ به امضاء رسید. از جمله مدت به انجام رساندن تعهدات طرف قرارداد پنج سال بود و شرکت فالکن‌هاگن می‌بایستی مبلغی برای ضمانت انجام تعهدات خود، به‌نام دولت ایران در یکی از بانک‌های روسیه وثیقه بگذارد و در صورتی‌که کمپانی از عهده تعهد خود برنمی‌آمد، ایران می‌توانست اختیارات شرکت را لغو کند. به‌طورکلی این قرارداد هم چنان‌که باید و شاید منافع ایران را تأمین نمی‌کرد و تقریباً در سطح همان قرارداد رویتر بود (گروسی، بی‌تا د، ش۲۲۲۹/ف).

میرزا حسین‌خان سپهسالار که با شکست امتیاز رویتر، مورد بی‌مهری شاه و وزرای طرفدار روس‌ها در ایران واقع شده بود با همکاری تامسون وزیرمختار دولت انگلیس در ایران، تلاش بسیاری برای لغو قرارداد انجام داد (صفایی، ۱۳۳۵، ص. ۹۵-۹۴، ۵۸-۶۰). او به میرزا ملکم‌خان وزیرمختار ایران در لندن دستور داد تا با لرد تندرن[3] وزیر خارجه انگلیس ملاقات کرده و تمام کوشش‌های خود را برای ممانعت از تحقق این

1. Henry Colins.
2. Falken Hagen.
3. Tenderden.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

امتیاز به‌کار گیرد (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص. ۱۳٤-۱۲۲). به هر حال این طرح به امضای شاه نرسید و بار دیگر حسنعلی‌خان گروسی و امین‌الدوله، طرح جدیدی از این قرارداد نوشته و به روسیه فرستادند، اما چون شرایط این طرح جدید با نیات روس‌ها همخوانی نداشت، شورای وزیران روسیه آن را تصویب نکرد. دولت ایران هم که طبعاً مایل به اجرای قرارداد نبود از شر فالکن هاگن خلاص شد (گروسی، بی‌تا د، ش۲۲۲۹/ ف؛ آدمیت، ۱۳۵۱، ص. ۳۸٤).

پافشاری حسنعلی‌خان امیرنظام در اجرای قرارداد رویتر و امتیازات مشابه آن تنها به‌خاطر حمایت وی از اصلاحات ترقی‌خواهان سپهسالار و دوستی با او نبود؛ بلکه امیرنظام چنان‌که از اسناد و منشاتش معلوم می‌شود برای توسعه و تعمیر جاده‌ها اهمیت زیادی قائل بود. یکی از دلایل عمده توجه امیرنظام به گسترش ارتباطات و ایجاد شبکه راه‌های آهنی و شوشه، تعقیب اهداف نظامی بود. وی که سال‌ها در نقاط مختلف آشوب‌زده ایران به امور نظامی و خدمات سپاهی‌گری پرداخته بود؛ عامل اصلی ایجاد شورش و ناامنی در ایالات و ناتوانی دولت در سرکوب سریع این شورش‌ها را ناشی از ضعف ارتباطات می‌دانست. نظر به همین امر وی اصلاح امور جاده‌ها و گسترش ارتباطات برای برقراری نظم و امنیت در ایران را ضروری می‌دانست.

حمایت از علم و دانش

یکی از جنبه‌های مثبت شخصیت امیرنظام گروسی، که بی‌ارتباط با اندیشه ترقی‌خواهی نیست، علاقه او به گسترش سوادآموزی و تشویق علم و دانش بود. او تعداد ٤۲ نفر دانشجویان ایرانی که تماماً از اعیان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون بودند، برای تکمیل تحصیلاتشان به فرانسه برد و آنها را به مدارس و کارخانه‌های معروف پاریس و سایر شهرهای فرانسه جهت آموزش معرفی کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳٤۵، ج. ۱، ص. ۲۲-۳۲۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳٦۷، ج. ۳، ص. ۱۳۲۱؛ خورموجی، ۱۳٤٤، ص. ۲٤۷). چون نوع آموزش فرنگی‌ها و پیشرفت‌های دانشجویان ایرانی مطلوب نظر حسنعلی‌خان امیرنظام بود، به دستور او پسرش یحیی‌خان هم روانه اروپا شد و در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

مدرسه نظامی سن‌سیر به تحصیل پرداخت.

او دقت و توجه بسیاری نسبت به پیشرفت تحصیل دانش‌آموزان ایرانی داشت و غالباً با بازدید از مراکز تعلیمشان آنها را مورد تشویق قرار می‌داد. در نتیجه این سخت‌گیری‌ها و نظارت دقیق امیرنظام بیشتر آن محصلان به مدارج علمی خوبی دست یافتند و بعضاً قبل از اتمام دوره مأموریت امیرنظام فارغ‌التحصیل و به ایران مراجعت کردند. خود امیرنظام هم به زبان فرانسوی مسلط شد و به آسانی به آن زبان تکلم می‌کرد (کرزن، ۱۳۷۳، ج. ۱، ص. ٤۳۱؛ ممتحن‌الدوله، ۱۳٥٤، ص. ۸٥–٤۸، ۹٥–۹۰؛ محبوبی اردکانی، ۱۳٤٥، ج. ۱، ص. ٥٤–۳۲۰؛ گروسی، ۱۳٥۷، ص. ۸–۷، ۹٦–۹٤).

گزارش‌های دقیق و مفصل امیرنظام از روند جزئیات آموزش دانشجویان و اقدامات عملی آنها، گویای دقت نظر و وسواس فوق‌العاده او برای پیشرفت تحصیل آنها است (ساکما، سند ۷٦۹۸/۲۹٥). او حتی برای فراهم آوردن وسایل مناسب تحصیل این دانشجویان گاهی‌اوقات از کنسول‌های دیگر مقیم پاریس پول قرض می‌کرد (گروسی، ۱۳٥۷، ص. ۸–۷) و هنگام فارغ‌التحصیل شدن آنها و بازگشت به ایران، البته به دستور ناصرالدین شاه، چرخ و وسایل مورد نیاز آنها برای برپایی کارگاه چینی‌سازی، ماهوت بافی، وسایل کارگاه ذوب آهن و قالب‌سازی، کاغذ سازی، کتاب‌های علم فلاحت و ابزارهای مربوط به آن را برای ۵ نفر از این دانشجویان خریداری و به ایران فرستاد (همان، ص. ۹٤–۹٦).

در خصوص اهمیت امیرنظام گروسی برای سوادآموزی روایت‌های بسیاری گزارش شده که در زیر به چند نمونه آنها اشاره می‌شود. از جمله در دیداری که در سال ۱۲۷٦/۱۸٦۰ با هنری آرمانتوان[1] کشیش فرانسوی داشت از او خواهش کرد تا در در موصل، به امر سوادآموزی به مسلمانان کُرد همت گمارد (هی‌تیه، ۱۳۷۰، ص. ۳۰٤). هنگامی‌که پیشکار آذربایجان بود و به نیات مثبت «میرزا حسن رشدیه» در جهت تعلیم و سوادآموزی پی‌برد، به او انعام و خلعت شایسته داد و «تا زمانی که وی پیشکار

1. Moseigneur Henri Arman Than.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

آذربایجان بود، اوباش تبریز دیگر جرأت جسارت کردن به مدرسه رشـدیه را نداشـتند» (رشدیه، ۱۳۵۲، ص. ۳٤؛ فخرالدین رشدیه، ۱۳۷۰، ص. ۳۲). همچنـین، هنگـام افتتـاح مدرسه دولتی مظفریه در تبریز، وی آن مدرسه را مساوی بـا «کارخانـه ادبیـت» معرفـی کرد و آن را چون عید ملی برای ایرانیان و باعـث برانـدازی رسـوم جاهلیـت در ایـران دانست (گروسی، بی‌تا ج، ص. ۵۲).

گذشته از این، امیرنظام احترام خاصی برای عالمان و طالبان علم و دانش قائل بـود و آنها را همواره مورد تشویق و محبت قرار می‌داد. او معمولا به دیدار عالمان می‌رفـت و گاهی عالمان از جاهای دیگر به دیدارش می‌شتافتند. دسـت کـم چنـد نفـر از شـاعران معـروف آن دوره از جملـه ایـرج میـرزا، ادیب‌الممالـک فراهـانی و علی‌خـان آشـتیانی متخلص به آشوب از جمله دسـت‌پروردگان او بودنـد و از او صـله و پـاداش دریافـت می‌کردنـد (راونـدی، ۱۳۵۳، ج. ۲، ص. ۳۷۳؛ بامـداد، ۱۳۷۱، ج. ۲، ص. ۱۵۹). ایـرج میرزا، عدل و انصاف و خردورزی و علم دوستی او را مـورد سـتایش قـرار داده و او را «خدیو هنرمند» نامیده است و مقام علمی او را تا آن حد بالا برد که «بوزرجمهر حکـیم» را در مقابل دانش او چون «طفلی کودن» قلمداد کرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

نتیجه

نفوذ سیاسی- اجتماعی‌خاندان امیرنظام زمینه مناسبی برای ارتقای موقعیت وی بود. با وجود این عمده ترقی و پیشرفت امیرنظام مرهون درایت و لیاقت شخصی او بود. رشد شخصیت سیاسی و تحول در بینش اجتماعی امیرنظام گروسی، به‌طور قطع مرهون رویارویی مستقیم وی با سیاست و اندیشه تجددگرای تمدن غرب بود. همین امر وی را به مجامع روشنگری آن دوره کشاند و او را به‌طور جدی به حمایت از اصلاحات برانگیخت. تفکر تجددگرایی به‌گونه‌ای که در جنبش مشروطیت پدیدار شد، از وی یافت نمی‌شود و از این لحاظ نمی‌توان وی را با شخصیت‌های نظریه‌پردازی مانند ملکم‌خان یا فتحعلی آخوندزاده مقایسه کرد؛ لکن در اسناد و منشآت امیرنظام مطالبی درباره مسائل سیاسی- اجتماعی وجود دارد که نشانگر درک کلی وی از اندیشه تجدد و ترقی‌خواهی است. بایستی اذعان داشت که اقدامات سیاسی- اجتماعی وی در عمل، منبعث از تئوری خاصش درباره اصلاح و ترقی بود. گرایش عملی وی به ترقی و تجدد، انکارناپذیر، و از این لحاظ در بسیاری از موارد به روند تحول اجتماعی کمک کرده است. امیرنظام را بایستی جزو نخبگان سیاسی و روشنفکران عمل‌گرای آن دوره به‌حساب آورد. وی در مقایسه با بیشتر رجال به ظاهر متجدد آن دوره، در عمل اعتقاد راسخ‌تری نسبت به پیشرفت اصلاحات در ایران داشت. امیرنظام گروسی جزو رجال کارگزار موفق دوره قاجاری بود که با درک بسیط و عام از تجددخواهی، تا حد زیادی زمینه رشد تفکر ترقی‌خواهانه را فراهم آورد. او با میدان دادن و گاه همکاری پنهانی با نظریه‌پردازان منتقد حکومت مانند مستشارالدوله، ملکم‌خان و مجدالملک سینکی، اندیشه‌های ترقی‌خواهانه را گسترش داد و عملاً از برنامه‌های اصلاحات آن دوره حمایت کرد. او برای راه‌اندزی موسسات تمدنی نوین مانند راه آهن، تلگراف، کشتی‌سازی، ضرابخانه، چاپخانه و بانکداری کوشش‌های فراوانی انجام داد. امیر نظام نخستین قانون نامه حکومتی را تنظیم کرد و کوشید تا تشویق ناصرالدین شاه به اروپا روند تغییر و نوسازی در ایران را تسریع کند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱ش). اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن‌خان (۱۳٦۷ش). مرآةالبلدان. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳٦۳ش). المآثر و الآثار. چاپ ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۵٦ش). روزنامه خاطرات. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- الگار، حامد (۱۳۸۵ش). «فعالیت‌های ایرانی در لژهای فراماسونی استانبول»، ترجمه اکبر رمضانی. فصلنامه نامه تاریخ پژوهان. سال ۲. شماره۷. ص۵-۲۳.
- امین‌الدوله علی‌خان (۱۳۵۵ش). خاطرات سیاسی امین الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: امیرکبیر.
- بامداد مهدی (۱۳۷۱ش). شرح حال رجال ایران. تهران: زوار.
- بیانی. کریم (۱۳٤۵ش). فهرست بخشی از اسناد دوره قاجاریه. تهران: وزارت امور خارجه ایران.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲ش). عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳٤٤ش). حقایق اخبار ناصری. به کوشش حسین خدیوجم. تهران: زوار.
- راوندی مرتضی (۱۳۵۳ش). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: امیرکبیر.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۷ش). فراموشخانه یا فراماسونری در ایران. تهران: امیرکبیر.
- رشدیه، شمس‌الدین (۱۳۵۲ش). سوانح عمر. تهران: تاریخ ایران.
- رشدیه فخرالدین (۱۳۷۰ش). تاریخ مدارس‌نویس یا زندگی میرزا حسن رشدیه. تهران: هیرمند.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، سند شماره ۷٦۹۸/۲۹۵، برگ ۱۵۷.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۳۵). برگ‌های تاریخ. اسناد دوره حسین‌خان سپهسالار. تهران: بابك.
- _____ (۱۳٤۹ش). اسناد نویافته. تهران: بابک.
- غلامی، شهرام (۱۳۸۰ش). «زندگی و آثار حسنعلی خان امیرنظام گروسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما: علی اصغر مصدق رشتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کاظم‌زاده فیروز (۱۳۷۱ش). روس و انگلیس در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- کرزن جرج ناتانیل (۱۳۷۳ش). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کوشا، محمدعلی (۱۳۸٤ش). سه دانشور نامور بیجار گروس: پژوهشی در زندگی و آثار محمدفاضل خان گروسی، حسنعلی خان امیرنظام گروسی، علامه شیخ عبدالحسین فاضل گروسی. قم: صحیفه خرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]

– گروسی، حسنعلی‌خان امیرنظام (۱۳۵۷ش). امیرنظام در سفارت فرانسه و انگلستان (مجموعه نامه‌های امیرنظام گروسی). به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
– _____ (۱۳٦٦ش). پندنامه یحیویه. تهران: نقره.
– _____ (بی‌تا الف). منشآت. نسخه خطی کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد. شماره ۱۷.
– _____ (بی‌تا ب). منشآت. نسخه خطی کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد. شماره ۱٤۷.
– _____ (بی‌تا ج). منشآت. نسخه چاپ سنگی، کتابخانه ملی. شماره ۹۳۷٤.
– _____ (بی‌تا د). کتابچه اصلاحات ناصرالدین شاه. نسخه خطی کتابخانه ملی ایران. شماره ۲۲۲۹/ف.
– _____ (بی‌تا هـ). منشات. نسخه خطی با خط اسماعیل خان معتمدالکتاب گروسی (اسناد خانوادگی هرمز معتمد).
– _____ (بی‌تا و). یادداشت‌های وزیرمختار ایران در پاریس در خصوص ترقیات ایران، کتابخانه ملی ایران، سند شماره۲۹۵/۷۳۱۵.
– مته، رودی و ویلم فلور و پاتریک کلاوسون (۱۳۹٦ش). تاریخ پولی ایران از صفویه تا قاجاریه. تهران: نامک.
– محبوبی اردکانی، حسین (۱۳٤۵ش). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: دانشگاه تهران.
– مریوانی، محمد (۱٤۰۳ش). حسنعلی خان امیرنظام گروسی، تهران: سوره مهر.
– ملکم‌خان (بی‌تا). اسناد خصوصی میرزا ملکم‌خان. دانشگاه تهران. نسخه عکسی، شماره‌های۲۳۲٦/۲، ۲۹٦۳/۵.
– ممتحن الدوله، میرزامهدی خان (۱۳۵٤ش). خاطرات ممتحن الدوله. به کوشش حسینقلی خان شقاقی، تهران: امیرکبیر.
– ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۷۱ش). تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: امیرکبیر.
– وقایع نگار کردستانی، میرزا علی‌اکبر (۱۳٦٤ش). حدیقه ناصری. به کوشش محمد رئوف توکلی. تهران: مؤلف.
– هی‌تیه، آدریان (۱۳۷۰ش). یادداشت‌های سیاسی کنت دو گوبینو. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: جویا.
– یغمایی، اقبال (۱۳٤۷ش). «امیرنظام گروسی». مجله یغما. ج. ۲۱. شماره ۱۱.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.4]